



# تشریح مبانی قانونی حکم حکومتی ولی فقیه (رهبری)

شهر آنجفی / وکیل پایه یک / کانون وکلای دادگستری استان مرکزی

## هوالوکیل

### تشریح مبانی قانونی حکم حکومتی ولی فقیه (رهبری)

اخیرا پیرو درخواست (نه تقنین) رییس قوه قضاییه از مقام معظم رهبری جهت تسریع در رسیدگی به جرایم اختلال گران در نظام اقتصادی کشور، حکمی حکومتی از سوی ولی فقیه (رهبری) بدون جری تشریفات معمول اصدار یافته که مورد نقد برخی قرار گرفته است. آنچه‌آنکه به زعم آنان، ولی فقیه (رهبری) بطور غیرقانونی از حیثه اختیارات مصرح در اصل یکصد و دهم قانون اساسی، خروج نمودند. حال آنکه فارغ از مبانی ثبوت شرعی و فقهی ولایت مطلقه فقیه، با قدری تعمق در نصوص قانون اساسی، مباحث عنه قابل بررسی و پاسخ می باشد.

۱) وفق اصل پنجم قانون اساسی: "در زمان غیبت حضرت ولی عصر (عج) در جمهوری اسلامی ایران، ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و باتقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل یکصد و هفتم عهده دار آن می گردد."

بنابراین مسبق به مبانی شریعت اسلام و مذهب تشیع که به تصدیق قانون اساسی رسیده، ولی فقیه در زمان غیبت امام (عج)، واجد کلیه اختیارات حکومتی معظم له با قید رعایت مصلحت جامعه مسلمین بوده، آنچه‌آنکه طبق آیه ۵۹ سوره نساء "اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم" (خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را اطاعت کنید)، رسول و امام شأن قانونگذاری داشته و این شأن قابل تفویض به ولی فقیه می باشد.

۲) قانون اساسی، ولایت مطلقه فقیه را بالصراحه در اصل پنجاه و هفتم خود پذیرفته و قوای سه گانه را تحت نظر آن قرار داده است:

"قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارت اند از قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضاییه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت، بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می گردند..."

براین اساس:



## تشریح مبانی قانونی حکم حکومتی ولی فقیه (رهبری)

شهر آنجنفی / وکیل پایه یک / کانون وکلای دادگستری استان مرکزی

**الف)** علی رغم صراحت قانون بر ولایت مطلقه، برخی بر آنند که اثبات ولایت مطلقه فقیه با قانون اساسی میسور نبوده چرا که عبارت " برطبق اصول آینده این قانون " ارجاع دهنده تفصیل حدود اختیارات ولی فقیه به اصول آینده ( که پس از اصل پنجاه و هفتم است) بوده، آنچنانکه از میان این اصول، تنها اصل یکصد و دهم است که به طور مشخص و طی یازده بند بوده، آنچنانکه به زعم آنان، اختیارات ولایت فقیه از دیدگاه قانون اساسی نیز محصور در این معناست و نه بیشتر!

حال آنکه این استدلال، برخلاف و معارض با مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی به عنوان یکی از منابع موثق و خدشه ناپذیر تفسیر قانون بوده، آنچنانکه حسب صورت مذاکرات وقت، اظهر من الشمس است که قانونگذار دقیقاً با عنایت ویژه بر معنای لفظ (مطلقه) و دلالت آن بر گستردگی اختیارات ولی فقیه ( رهبری)، لفظ مذکور را در اصل پنجاه و هفتم درج نموده تا مانع تصور حصری بودن اختیارات ولی فقیه در موارد یازده گانه مزبور در اصل یکصد و دهم گردد.

مؤید این مطلب، نظر برخی از اعضای شورای بازنگری قانون اساسی بوده که اذعان داشته، اصل یکصد و دهم دلالتی بر احصای اختیارات رهبری در موارد مذکور در آن اصل نداشته بلکه تنها نشانگر آنست که این اختیارات مختص و منحصر به ولی فقیه (رهبری) بوده، آنچنانکه مقام دیگری حق اعمال آن اختیارات و انجام آن وظایف را نداشته مگر به تفویض ولی فقیه ( رهبری). لذا موارد یازده گانه مصرح در اصل یکصد و دهم **جنبه انحصاری داشته و نه**

### احصائی...

از آن جمله افراد، آیت الله محمد یزدی بوده که طی مذاکرات خود در شورای بازنگری چنین اظهار داشتند:

"... این اصل یکصد و دهم هم انحصار از طرف مواردی است که ذکر شده است؛ یعنی این موارد به عهده فقیه است که نه فقیه، فقط این موارد را انجام می دهد... این وظایفی که در اصل یکصد و دهم ذکر شده این وظایفی است که انحصاری او است، یعنی کس دیگری نمی تواند این کار را انجام بدهد؛ یعنی نصب فقهای شورای نگهبان، نصب عالی ترین مقام قضایی، نصب فرماندهی کل و سایر چیزهایی که از اختیارات یا وظایف رهبری ذکر شده؛ ما هم



## تشریح مبانی قانونی حکم حکومتی ولی فقیه (رهبری)

شهر آنجنفی / وکیل پایه یک / کانون وکلای دادگستری استان مرکزی

ابتدا ما نظرمات این هست که معنای ذکر این ها نفی غیر نیست بلکه اختصاص این کارها است به رهبر..."  
(مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۳، ص ۱۶۳۵، ۱۶۳۴)

نکته حائز اهمیت آنکه، بازنگران قانون اساسی جهت جلوگیری از تصور احصاء اختیارات ولی فقیه در موارد مذکور در اصل یکصد و دهم، بر آن شده تا الزاما به لفظ (ولایت مطلقه) تصریح شود.

آنچنانکه آیت الله یزدی پیرو سخنان پیشین خود، چنین اظهار نمودند:

"منتها چون امکان دارد کسانی از این مفهوم بگیرند و بگویند: نفی غیر است، می گوئیم این وصف مطلق را ذکر نکنید که این نفی غیر نکند" (مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۳، ص ۱۶۳۵)

وانگهی در جریان مذاکرات شورای بازنگری پیرامون اصل مذکور، رییس شورای بازنگری آیت الله مشکینی بیان داشتند:

"ما معتقدیم که بلاشکال فقیه ولایت مطلقه دارد. ما می گوئیم در قانونتان یک عبارتی را بیاورید که بر این معنا اشاره بشود، محدود نکنید... ما میخواهیم شما عبارتی در قانون اساسی ذکر بفرمایید که به هدف ما که ولایت مطلقه فقیه است و این مذکورات هم از مصادیق آن است، اشاره کرده باشید و یکی از مواردش که به عقیده من می تواند تامین بکند، همین است. اگر در همین جا بگویید: رهبر منتخب خبرگان ولایت امر و همه مسئولیت های ناشی از آن را به عهده خواهد داشت این غرض ما تامین می شود. به هر حال، من از نظر شرعی از این ناراحت بودم که ما چون معتقدیم برای فقیه یک چنین ولایتی ثابت است، چرا در قانون اساسی این را بیان نکنیم."  
(مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۳، ص ۱۶۳۱)

در همین راستا نیز جناب مهدی کروی به عنوان عضو شورای بازنگری، پس از پایان کار این شورا در مصاحبه ای صریحا اظهار داشتند: "گرچه رهبر ولی امر و مافوق قانون است ولی با تغییراتی که صورت گرفت اختیارات جدید به رهبری داده شده است." (روزنامه رسالت: ۱۳۶۸/۴/۲۸)



## تشریح مبانی قانونی حکم حکومتی ولی فقیه (رهبری)

شهر آنجنفی / وکیل پایه یک / کانون وکلای دادگستری استان مرکزی

علی ایحال و علی رغم مذاکرات همسو و مفصل اعضای شورای بازنگری قانون اساسی، آیت الله خامنه ای به عنوان نایب رییس شورای بازنگری قانون اساسی، ضمن تشجید ذهن اعضای شورای بازنگری به اهمیت ولایت مطلقه فقیه و لزوم تصریح آن در قانون اساسی، بیان داشتند:

" من به یاد همه دوستانی که در جریان های اجرایی کشور بودند، می آورم که آن چیزی که گره های کور این نظام را در طول این هشت سالی که ماها مسئول بودیم، باز کرده همین ولایت مطلقه امر بوده و نه چیز دیگر... اگر مسئله ولایت مطلقه امر که مبنا و قاعده این نظام است، ذره ای خدشه دار شود، ما باز گره کور خواهیم داشت... اما مطلب دومی که حالا در قانون اساسی بیاوریم یا نه؟ من می گویم اگر هم به صرافت امر، اگر ما ممکن بود این را بیاوریم، حالا که بحث شده دیگر نمی شود بیاوریم... اما الان که بحث شد و یکی گفت آری و یکی گفت نه، اگر بیاورید معنایش نفی است ولو شما بروید بگوئید که نه آقا ما مقصودمان نفی نبود، ما مقصودمان این بود که باشد اما در قانون اساسی نیاید، این دیگر خدشه دار خواهد شد، یعنی الان هیچ مصلحت نیست که در این تردید بشود که بیاید. حالا کجا بیاید من بحثی ندارم، یا اصل پنجاه و هفتم بیاید یا اصل نمی دانم یکصد و دهم بیاید، هر جا می خواهد بیاید، یکصد و هفتم بیاید، این تفاوت نمی کند..."

{و در آخر کلام خود چنینی گفتند}:

" آن جایی که این سیستم با ضرورت ها برخورد می کند و کارآیی ندارد. آن وقت ولایت مطلقه از بالاسر وارد می

شود، گره را باز می کند." (مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی، ج ۳، ص ۱۶۳۸، ۱۶۳۷)

نهایتا به عنوان فصل الختام، همگی اعضاء بالاتفاق آراء قائل بر تصریح عبارت (ولایت مطلقه امر) در اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی گردیدند. (مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی، ج ۳، ص ۱۶۳۹)

**ب)** پس از ارتفاع مناقشه ماضی، مجددا برخی به عبارت " بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می گردند" مصرح در اصل پنجاه و هفتم ایراد داشته که عبارت مذکور دقیقا ناظر به احصاء و تحدید اختیارات رهبری در اصل



## تشریح مبانی قانونی حکم حکومتی ولی فقیه (رهبری)

شهر آنجنفی / وکیل پایه یک / کانون وکلای دادگستری استان مرکزی

یکصدودهم بوده، آنچنانکه نحوه نگارش اصل پنجاه و هفتم به زعم آنان چنین است: " ... ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده ای قانون اعمال می گردند..." حال آنکه این استدلال نیز فاقد وجاهت قانونی است! چرا که با مذاقه در منطوق اصل پنجاه و هفتم و ادبیات نگارشی آن، پر فروغ است که عبارت مذکور ناظر به اعمال قوای سه گانه اعم از مقننه، مجریه و قضاییه بوده آنچنانکه استعمال فعل جمع " اعمال می گردند " مشعر بر اعمال بیش از یک شخص است و نه یک شخص! چرا که چنانچه عبارت موصوف ناظر به اختیارات شخص ولی فقیه می بود، منطقی می بایست به صورت مفرد " اعمال می گردد " ظهور می نمود و نه فعل جمع...

**ج)** نکته حائز اهمیت دیگر جهت رد ادعای احصای اختیارات و وظایف ولی فقیه (رهبری) در قالب اصل یکصدودهم اینست که در اصول دیگر قانون اساسی، اختیاراتی برای ولی فقیه (رهبری) ذکر شده که در اصل مذکور ذکری از آن ها به میان نیامده، حال آنکه با پذیرش حصری بودن اصل موصوف می بایست سایر اصول قانون اساسی من جمله اصول ذیل، ملغی تلقی شده که امری بعید بلکم ابعث است:

تعیین اعضای ثابت و متغیر مجمع تشخیص مصلحت و تأیید مقررات مربوط به آن توسط رهبری ( مندرج در اصل یکصدودهم) و یا تعیین موارد اصلاح یا متمیم قانون اساسی و پیشنهاد آن به شورای بازنگری قانون اساسی و تأیید و امضای مصوبات آن شورا توسط رهبری ( اصل یکصدودهم)...

مع الوصف با امعان نظر بر دلایل متقن و مستندات تبیینی، قانونگذار بالصراحه و دقیقاً با عنایت به معنای ولایت مطلقه و به قصد توسیع اختیارات ولایت مطلقه (رهبری) به بیش از موارد اندراجی در اصل یکصدودهم، آگاهانه اقدام به تصریح این الفاظ در اصل پنجاه و هفتم نموده، آنچنانکه در صدر اصل مذکور، تمامی قوای سه گانه را تحت نظر و اختیار ولایت فقیه (رهبری) دانسته و همراستا با موازین شرعی، جایگاهی فراقانونی برای ولی فقیه قائل شده است.

**۳)** یکی از اختیارات ولی فقیه (رهبری) طی بند هشتم از اصل یکصدودهم قانون اساسی تبیین یافته، آنچنانکه (حل معضلات نظام که از طرق عادی قابل حل نیست از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام) می باشد. به دیگر سخن،



## تشریح مبانی قانونی حکم حکومتی ولی فقیه (رهبری)

شهر آنجنفی / وکیل پایه یک / کانون وکلای دادگستری استان مرکزی

حل معضلات نظام در هریک از زمینه ها و امور مربوط به جامعه، چنانچه واجد راه حل عادی قانونی نبوده، برعهده رهبری قرار داشته که با ابزار مجمع تشخیص مصلحت نظام به حل آن اقدام می نماید.

حال شاید برای برخی سوال برانگیز بوده که به تصریح اصل مذکور، الزاما حل معضلات می بایست از مجرای مجمع تشخیص مصلحت نظام صورت گیرد ولاغیر...! حال آنکه همانطور که بطور مستند و مستدل تبیین شد، اختیارات ولی فقیه (رهبری) احصایی نبوده و محصور به مجرای خاصی نمی باشد. آنچنانکه وفق اصل یکصد و دوازدهم، مجمع مذکور به مثابه بازوی اجرایی ولی فقیه در حل معضلات نظام بوده که به دستور و انتخاب شخص رهبری عمل و حتی مصوبات آن تایید می شود لذا، با عنایت برآنکه اختیارات مجمع تشخیص منبث از ولایت فقیه (رهبری) بوده، عقلا و قانونا چنین تفویضی، نافی و مسقط حق اعمال مستقیم همان اختیارات توسط ولی فقیه نمی باشد.

۴) از دیگر دلایل عملی بر رد احصای اختیارات ولی فقیه (رهبری) در اصل یکصد و دهم، می توان به برخی اقدامات امام خمینی (ره) به عنوان بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی (اصل یکم) در زمان بازنگری قانون اساسی اشاره نمود، که بعضا حتی فوق قوانین عادی و یا اساسی تلقی می گردد:

فرمان هشت ماده ای امام خمینی (ره)، دستور ایشان مبنی بر تاسیس مجمع تشخیص مصلحت نظام (علی رغم فقدان آن در قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸)، ایجاد فرماندهی واحدهای نیروهای مسلح توسط رهبری در سال ۱۳۷۷، فرمان تشکیل بسیج بیست میلیونی مستضعفان، فرمان تشکیل سازمان نهضت سواد آموزی در سال ۱۳۵۸...

۵) در این مقال نیز، برخی ضمن تقطیع فرمایشات امام راحل در صحیفه ایشان، قائل بر حجیت بلامنازع قانون بر امر و حکم ولی فقیه گشته، حال آنکه فارغ از منازعات سیاسی چنانچه کسی مترصد کشف واقع بوده، عقلا و اخلاقا مکلف به نقل قول کامل از امام راحل می باشد. آنچنانکه امام خمینی (ره) طی نامه ای به آیت الله خامنه ای مشبوت در صحیفه و در جهت تثبیت رکن رکین ولایت مطلقه فقیه و ارجحیت آن بر قانون، چنین بیان داشته :



## تشریح مبانی قانونی حکم حکومتی ولی فقیه (رهبری)

شهر آنجنفی / وکیل پایه یک / کانون وکلای دادگستری استان مرکزی

"باید عرض کنم حکومت، که شعبه ای از ولایت مطلقه رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم - است، یکی از احکام اولیه اسلام است؛ و مقدم بر تمام احکام فرعیه، حتی نماز و روزه و حج است. حاکم می تواند مسجد یا منزلی را که در مسیر خیابان است خراب کند و پول منزل را به صاحبش رد کند. حاکم می تواند مساجد را در موقع لزوم تعطیل کند؛ و مسجدی که ضرر باشد، در صورتی که رفع بدون تخریب نشود، خراب کند. حکومت می تواند قراردادهای شرعی را که خود با مردم بسته است، در موقعی که آن قرارداد مخالف مصالح کشور و اسلام باشد، یکجانبه لغو کند. و می تواند هر امری را، چه عبادی و یا غیر عبادی است که جریان آن مخالف مصالح اسلام است، از آن مادامی که چنین است جلوگیری کند. حکومت می تواند از حج، که از فرایض مهم الهی است، در مواقعی که مخالف صلاح کشور اسلامی دانست موقتاً جلوگیری کند. آنچه گفته شده است تا کنون، و یا گفته می شود، ناشی از عدم شناخت ولایت مطلقه الهی است. آنچه گفته شده است که شایع است، مزارعه و مضاربه و امثال آنها را با آن اختیارات از بین خواهد رفت، صریحاً عرض می کنم که فرضاً چنین باشد، این از اختیارات حکومت است و بالاتر از آن هم مسائلی است، که مزاحمت نمی کنم." (صحیفه امام، ج ۲۰، ص: ۴۵۱ و ۴۵۲ و ۴۵۵ و ۴۵۶)

۶) نکته نهایی آنکه حکم کنونی ولی فقیه (رهبری) در جهت رعایت مصلحت کنونی جامعه مسلمین، صرفاً در مورد برخی متهمین و نه همه متهمین و نیز نسبت به برخی جرایم خاص و نه همه جرایم، آن هم بصورت موقتی (دوسال) و نه دائمی اصدار یافته، لذا حکم موصوف به هیچوجه به منزله نسخ یا تخصیص قوانین عادی یا اساسی جاریه نبوده بلکه تنها معدود مواد قانون شکلی و نه همه مواد آن یا قانون ماهوی، موقتا تعطیل گردیده؛ آنچنانکه در سایر جرایم و تشریفات شکلی، قوانین جاریه عادی کمافی السابق پابرجاست. وانگهی، ولایت مطلقه فقیه در مقام دفع افسد به فاسد و ایضا رعایت قاعده عقلی تراحم مبنی بر تقدم اهم بر مهم، وفق مبانی شرعی و مستندات قانونی سابق العرض مجاز به تعطیل نمودن موقتی برخی قوانین در شرایط غیرعادی (فی المثل جنگ اقتصادی حاضر) جهت رعایت مصلحت کنونی جامعه مسلمین می باشد. بنابراین آن زمان که قانون اساسی یک کشور قائل بر پذیرش ولایت مطلقه فقیه به عنوان یک رکن فراقانونی بوده، آنچنانکه به تجویز همان قانون، ولی فقیه ذی مدخل در نه تنها قوانین عادی بلکه قانون اساسی نیز بوده، پس در این مقال، دیگر تسریب موادی از یک قانون



## تشریح مبانی قانونی حکم حکومتی ولی فقیه (رهبری)

شهر آنجفی / وکیل پایه یک / کانون وکلای دادگستری استان مرکزی

عادی جهت نقد مبانی حکم حکومتی رهبری، بی شباهت به عدم عنایت صحیح به قانون اساسی و غرض بازنگران آن نمی باشد!

مع الوصف چنانچه حقیقتاً مترصد کشف غرض واقعی اعضای شورای بازنگری قانون اساسی به عنوان بازنگران قانون اساسی بوده و نه پیرو احساسات و مغالزه های سیاسی، بایست پذیرفت که ولایت مطلقه فقیه (رهبری) قانوناً یک منصب حقوقی با ویژگی فوق قانون اساسی و قوانین عادی است. آنچه آنکه اساساً مشروعیت قانون اساسی و قانون عادی از ناحیه ولی فقیه (رهبری) بوده و مقبولیت آن قوانین ناشی از رای ملت و در چارچوب قوانین الهی است، لکن این امر به منزله دیکتاتوری نیست آنچه آنکه امام خمینی (ره) نیز فرمودند: " شما از ولایت فقیه نترسید، فقیه نمی خواهد به مردم زورگویی کند. اگر یک فقیهی بخواهد زورگویی کند، این فقیه دیگر ولایت ندارد، اسلام است در اسلام قانون حکومت می کند، پیغمبر اکرم (ص) هم تابع قانون بود، تابع قانون الهی، نمی توانست تخلف کند." (صحیفه امام، جلد ۱۰، ص ۳۱۰). بنابراین اختیارات مصرح رهبری در قانون اساسی، انحصاری و منحصر بفرد بوده و نه احصایی و محصور، آنچه آنکه حکم حکومتی رهبری در پاسخ به درخواست رییس قوه قضاییه در باب جرایم اخلال گران در نظام اقتصادی کشور، کاملاً منطبق با موازین اسلامی (اصل چهارم) و همراستا با اصول قانون اساسی می باشد.

شهر آنجفی

وکیل پایه یک دادگستری